



تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم کار، حسام الدین ترکمن، شهرزاد دربندی
شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
مسئولیت مدنی دولت در قبال اطلاع دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
جستاری در توجیهات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمدمهدی صادقی
اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمدمهدی داور، سعیده تسلیمی
بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سیدمحمد خضری
شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیرمحمد ماهرخ
تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطره
جستاری در علل ظهور عمل گرایي در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تأکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمدسعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریرضا رضوان
جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سیدبهمن اکبری
ضرورت های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل کلچین



An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران

Mohammad Khorshidi Athar

PhD student in Criminal Law and Criminology and University Lecturer, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

محمد خورشیدی اطر

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

khoshshidi.athar@hotmail.com

<http://orcid.org/0000-0001-9658-2989>

Abstract

Jurisdiction of the judicial organization of the armed forces in Iran's legal system, based on the three periods of permission to develop the jurisdiction by the leadership in 1987, 1994 and 2020, is no longer limited to crimes related to the specific military and disciplinary duties of the armed forces employees. Examining the position and identifying the executive territory of the permissions based on the additional jurisdictions of the military courts in time are the issues that the present research is responsible for describing and analyzing with a library study. The aforementioned permissions according to the theory of the absolute authority in the hierarchy of laws are placed in a position beyond Article 172 of the Constitution. The approach of the legislator in the provision of Note 1 of Article 597 of the Criminal Procedure Law in resolving the objection of the Guardian Council, while not referring to the permissions after the date of approval of the law in 201۳, clearly emphasizes the high status of the permissions of the development of the jurisdiction of the judicial organization of the armed forces.

Keywords: Absolute Authority, Constitution, Permission, Judicial Organization of the Armed Forces, Development of Jurisdiction.

چکیده

صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران بر اساس سه دوره توسعه اجازه نامه‌ای آن توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۳ و ۱۳۹۹ دیگر منحصر در جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کارکنان نیروهای مسلح نیست. بررسی جایگاه و شناسایی قلمرو اجرای اجازه نامه‌های مبتنی بر صلاحیت‌های اضافی محاکم نظامی در زمان، مسائلی است که پژوهش حاضر با مطالعه کتابخانه‌ای، عهده‌دار توصیف و تحلیل آن است. اجازه نامه‌های مذکور بر اساس نظریه ولایت مطلقه فقیه از جمله در شان تشریعی در سلسله مراتب قوانین در جایگاهی فراتر از اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی و ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار می‌گیرد به گونه‌ای که هیچ ضرورت قانونی بر انتشار آن در روزنامه رسمی وجود ندارد و از تاریخ تجویز نیز لازم الاجرا خواهد بود. رویکرد قانونگذار نیز در وضع تبصره اول ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رفع ایراد شورای نگهبان ضمن عدم دلالت آن بر اجازه نامه‌های پس از تاریخ تصویب قانون در سال ۱۳۹۲ به وضوح بر جایگاه والای اجازه نامه‌های توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: ولایت مطلقه فقیه، قانون اساسی، اجازه نامه، سازمان قضایی نیروهای مسلح، توسعه صلاحیت.

Received: 2024/11/24 - Review: 2025/02/12 - Accepted: 2025/03/14

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴

ارجاع:

خورشیدی اطر، محمد؛ (۱۴۰۳)، تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

آیین دادرسی کیفری به ویژه صلاحیت عمومی یا اختصاصی محاکم در رسیدگی به انواع جرایم همواره جلوه گاه تقابل میان دو رویکرد امنیت گرایی و آزادی در نظام های قانونگذاری است (خالقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ۲۲)؛ تصویب لایحه قانونی حذف محاکم اختصاصی مصوب ۱۳۳۱ و قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸ به منظور کاهش مصادیق صلاحیت مراجع قضائی نظامی در مغایرت با آیین نامه قانون تشکیل و صلاحیت دادگاه نظامی موقت در زمان حکومت نظامی مصوب ۱۳۲۱ که به موجب آن، بسیاری از جرایم عمومی ارتكابی از سوی غیرنظامیان که در تقابل مستقیم یا غیرمستقیم با حکومت وقت قرار داشت به اداره دادرسی ارتش اضافه گردیده بود، نمونه بارز آن است (آشوری، ۱۳۸۴، ۸۱ و ۸۰).

به سخن دیگر، برخلاف آنچه که در ماده اول قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و نیز ماده ۱۹۱ از قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۱ مبنی بر صلاحیت دادگاه های نظامی بر رسیدگی به جرایم منتسب به نظامیان مقرر گشته بود، جرایمی نظیر قاچاق مواد مخدر، اختلال در صنعت نفت، راهزنی در طرق و شوارع، اقدام علیه امنیت کشور، جاسوسی غیرنظامیان، سرقت مسلحانه، قاچاق سلاح و مهمات، افشای اسرار و تصمیمات دولتی، تحریص اهالی به مسلح شدن بر ضد حکومت، حمله و تمرد نسبت به مامورین دولتی، تهیه وسایل فرار مجوسین و مساعدت در فرار کسانی که قانوناً امر به بازداشت آنها شده است، فرار مجوسین از زندان، شکستن یا خراب کردن درب

زندان برای فرار همگی در صلاحیت اداره دادرسی ارتش قرار گرفت (بهزادی، ۱۳۴۹، ۲۳).

به موجب قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸، صلاحیت دادگاه‌های نظامی منحصر در جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی شد و حتی جرایم نظامی افسران و درجه داران شهربانی و ژاندارمری هم به دادگاه‌های عمومی واگذار گردید و نیز متعاقباً، دادستان ارتش مستند به لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۵۸ از لحاظ اعمال وظایف قضایی خود تحت نظارت دادستان کل کشور قرار گرفت. در نهایت، اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدون این که تفکیکی میان اعضای مختلف نیروهای مسلح قائل شود، محاکم نظامی را فقط صالح به رسیدگی به جرایم خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عنوان کرد.

بررسی سابقه تقنینی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران حکایت از سه دوره توسعه در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به طور مستقیم و فراتر از اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد^۱ (آشوری، ۱۳۹۵، ۲۲۱). این در حالی است که جرایم مشمول هریک از اجازه نامه‌های سه گانه مبتنی بر ضرورت یا ضرورت‌هایی مستوجب تجویز صلاحیت‌های اضافی برای سازمان قضایی نیروهای مسلح از سوی عالی‌ترین مقام سیاسی کشور گردیده است تا رسیدگی به آن از طریق دادرسی افتراقی انجام یابد. مستند به این اجازه نامه‌ها، زمینه تضییق صلاحیت عام مراجع عمومی دادگستری فراهم آمده و بر صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی نظامی افزوده شده است (آخوندی، ۱۳۸۹، ۲۷۱) و (شمس، ۱۳۹۴، ۶۶) و (یزدانیان، ۱۴۰۰، ۱۳). فرآیند صدور اجازه نامه‌های مزبور به انضمام مصادیق صلاحیت‌های اضافی تجویز شده به این شرح است:

اول- در تاریخ ۱۳۶۶/۰۹/۲۰ وزیر وقت اطلاعات از محضر حضرت امام خمینی (ره) درخواست می‌نماید که به لحاظ ضرورت حفظ اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده جمهوری اسلامی ایران، جرایم پرسنل وزارت اطلاعات نسبت به دو مورد: «جرایم مربوط به تخلف پرسنل اطلاعات از وظایف قانونی آنان» و «سایر جرایم آنان در مواردی که پرونده مربوطه مشتمل بر اطلاعات طبقه‌بندی شده و اسرار

۱- لازم به ذکر است که بر مبنای قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی مصوب ۱۳۷۳ نیز صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح به جرایم دیگری که در حین تحقیقات و رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی کشف می‌شود، جرایم ارتكابی اسرای ایرانی در مدت اسارت و جرایم اسرای بیگانه در مدت اسارت ایشان در کشور توسعه پیدا کرده است.

جمهوری اسلامی باشد» در سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی شود. رهبر فقید انقلاب اسلامی نیز با این درخواست موافقت می‌کند و از طریق رئیس وقت دیوان عالی کشور، مراتب موافقت را به سازمان قضائی نیروهای مسلح ابلاغ می‌نمایند. رئیس وقت قوه قضائیه پس از رحلت امام خمینی (ره) به واسطه شائبه‌ای که در لازم‌الاجرا بودن اجازه نامه مورد بحث به وجود آمده بود مجدداً به موجب نامه شماره ۳۷۴۵/۷۰/م مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۰۹ در خصوص رسیدگی به جرایم پرسنل وزارت اطلاعات از محضر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) کسب تکلیف نمود که معظم له نیز طی نامه شماره ۱۱۶۸-۳۰/۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۹ مقرر فرمودند: «در مورد مذکور، بخشنامه رئیس سابق دیوان عالی کشور به خاطر حفظ اطلاعات همچنان لازم است در سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی شود. لذا بنا بر مرقومه اخیر، توسعه جرایم مذکور را می‌توان از جمله صلاحیت‌های اضافی مورد اجازه توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) قلمداد کرد.

دوم- سازمان قضائی نیروهای مسلح طی نامه شماره ۷/۹/۱۰۹۰۱/۷۳ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۰۳ از ریاست وقت قوه قضائیه درخواست نمود تا از مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) کسب اجازه شود که: «سازمان قضائی نیروهای مسلح مجاز باشد به جرایم امنیتی پرسنل نیروهای مسلح و جرایم در حین خدمت آنان رسیدگی نماید». این درخواست توسط ریاست قوه قضائیه به استحضار فرمانده معظم کل قوا رسید. در نهایت، موافقت ایشان به موجب نامه شماره ۴۲۹۹/۷۳/م مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۰ از سوی رئیس قوه قضائیه این سان به سازمان قضائی نیروهای مسلح ابلاغ گردید: «پس از استجازه از مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که حضوراً انجام شد اجازه فرمودند تا زمانی که قانون مورد بحث برای طرح در مجلس شورای اسلامی آماده می‌شود با پیشنهاد موافقت می‌شود». از این رو، «سازمان قضائی نیروهای مسلح مجاز است به کلیه جرایم امنیتی پرسنل نیروهای مسلح رسیدگی نماید. سازمان قضائی نیروهای مسلح مجاز است به جرایم در حین خدمت نیروهای مسلح رسیدگی نماید».

سوم- بر اساس استجازه‌نامه شماره ۸۷۲۲۱/۱۰۰/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۴ رئیس وقت قوه قضائیه از مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و نامه دفتر معظم‌له به شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱، صلاحیت‌های رسیدگی سازمان قضائی نیروهای مسلح در پنج بند توسعه دیگر یافته است: کلیه جرایم امنیتی مرتبط با خدمت برای نیروهای مسلح، از ناحیه کارکنان قراردادی و یا کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های وابسته که مشمول مقررات نیروهای مسلح

نیستند. جرایم مرتبط با اطلاعات طبقه‌بندی‌شده نیروهای مسلح، از ناحیه اشخاصی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به تأمین تجهیزات و تسلیحات نیروهای مسلح همکاری دارند. جرایم امنیتی کارکنان نیروهای مسلح، مرتبط با زمان اشتغال تا پنج سال پس از پایان خدمت. کلیه جرایم مرتبط با سلاح و مهمات توسط کارکنان شاغل در نیروهای مسلح. جرایم مرتبط با انجام وظایف خاص حفاظتی و انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت دستگاه‌های اجرایی.

شایان ذکر است مفاد اجازه نامه موضوع بند سوم به موجب نامه شماره ۷/۳۴/۹۹/۲۴۸۶۲۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ توسط مدیرکل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور با مخاطب مدیرعامل روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران جهت انتشار در روزنامه یاد شده ارسال گردیده و در تاریخ هشتم آبان ۱۳۹۹ در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور انتشار یافته است.

بررسی و تحلیل توسعه اجازه نامه‌ای صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در سلسله مراتب قوانین و مقررات کشور، موضوعی است که پژوهش حاضر به روش تحلیلی در صدد پرداختن به مسئله چرایی چنین توسعه در نظام حقوقی ایران است. چه این که هرچند صلاحیت ذاتی سازمان قضایی نیروهای مسلح مستند به اصل یکصد و هفتاد و دوم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده اول قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ فقط به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کارکنان نیروهای مسلح اختصاص پیدا کرده (خالقی، ۱۳۹۶، ج ۲، ۲۵)، لکن بر اساس وجود پاره‌ای از ضرورت‌ها و مصالح عمومی و سازمانی مبادرت به توسعه آن خارج از قاعده عادی قانونگذاری از سوی مجلس شورای اسلامی شده است.

با این حال، شناخت جایگاه حقوقی اجازه نامه‌های موضوع توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح از آن جایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که تبصره اول ماده ۵۹۷ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص اجازه نامه‌های پیش از تصویب آن قانون مقرر داشته: «رسیدگی به جرایمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادرهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است» و حکمی در ارتباط با اجازه نامه‌های پس از تاریخ تصویب قانون آیین دادرسی کیفری از جمله اجازه نامه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ تصریح نکرده است.

۱- بازشناسی مدلول تبصره اول ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

تبصره اول ماده ۵۹۷ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با توجه به اشاره به اجازه حضرت امام خمینی (ره) و استفاده از فعل ماضی: «فرموده‌اند» به همراه قید عدم عدول در رسیدگی به جرایمی که به موجب اجازه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به دامنه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح افزوده شده است، دلالت بر دو فقره اجازه نامه‌هایی می‌کند که صلاحیت سازمان مزبور پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۳ به جرایم کارکنان وزارت اطلاعات و جرایم امنیتی و در حین خدمت نیروهای مسلح تسری پیدا کرد.

از این حیث، تبصره یاد شده هیچ گونه اشاره‌ای به اجازه نامه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح نسبت به جرایم امنیتی مرتبط با خدمت از ناحیه کارکنان قراردادی نیروهای مسلح و یا با قرارداد کار موقت در خدمت نیروهای مسلح، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های وابسته که مشمول مقررات نیروهای مسلح نیستند، جرایم مرتبط با اطلاعات طبقه‌بندی‌شده مربوط به نیروهای مسلح از ناحیه اشخاصی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به تأمین تجهیزات و تسلیحات نیروهای مسلح همکاری دارند، جرایم امنیتی مرتبط با زمان اشتغال کارکنان نیروهای مسلح تا پنج سال پس از پایان خدمت، جرایم مرتبط با سلاح و مهمات اعضای نیروهای مسلح و جرایم مرتبط با انجام وظایف خاص حفاظتی و انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت دستگاه‌های اجرایی و یا هر اجازه نامه دیگری که ممکن است پس از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری صادر گردد، نمی‌کند. بنابراین، تبیین علت ذکر تبصره مزبور در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌تواند اراده و هدف قانونگذار را در چنین بیان به ظاهر ناقص را مشخص سازد و کمک شایان توجهی به شناخت جایگاه اجازه نامه‌های با موضوع توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح در گستره قوانین عادی می‌نماید.

به نظر می‌رسد تبصره اول ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از این جهت در ذیل فصل سوم از بخش آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح با عنوان: «صلاحیت» و ماده مذکور در مقام بیان صلاحیت ذاتی محاکم نظامی قرار گرفته تا شاخصه جامعیت در قانونگذاری در خصوص جرایم موضوع صلاحیت این دسته از محاکم رعایت شود. توضیح آن که ویژگی جامع بودن قانون به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری که به‌عنوان سنجه‌ای برای ارزیابی میزان پابندی دولت‌ها در حفظ و صیانت از حقوق

شهروندی به حساب می‌آید، در پرتو نظریه «حاکمیت قانون»^۲ مبدل به یکی از اصول مسلم در مطلوب انگاری قانون گردیده است (مرکزالمیری، ۱۳۹۴، ۱۰۳).

فلسفه وجودی وضع تبصره اول ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر اساس اصل جامع بودن قانون از این جهت است که صلاحیت‌های ذاتی و اضافی سازمان قضایی نیروهای مسلح به صورت متمرکز در قانون مربوطه ذکر شود (شمس، ۱۳۹۴، ج ۱، ۶۸) و دسترسی جامع تابعان قانون به کلیه موارد مرتبط به سهولت، میسر گردد و نیز، از چالش پراکندگی در تصویب قوانین از مراجع متعدد و مراجعه به منابع مختلف جهت اطلاع از وضع موجود جلوگیری شود (خورشیدی اطهر، ۱۳۹۹، ۱۷). مضافاً بررسی پیشنهاد تصویب ماده ۵۹۷ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به وضوح بر تأیید دیدگاه پیش گفته می‌افزاید؛ زیرا مصادیق توسعه یافتگی صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح از سوی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در قالب بندهای «ب»، «پ»، «ث» و «ج» از ماده ۲۸ طرح قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی ذکر شده بود، مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت که پس از عودت و با حذف بندهای یاد شده توسط مجلس شورای اسلامی و اضافه کردن مفاد ایراد وارده مبنی بر این که: «بدیهی است در خصوص صلاحیت محاکم سازمان قضایی نیروهای مسلح، در مواردی که امام علیه‌الرحمه و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اجازه فرموده‌اند، مادامی که از آن عدول نشده، کماکان به قوت خود باقی است» در قالب تبصره اول منجر به تأیید نهایی شد (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ۱۰).

۲- جایگاه اجازه نامه در نظام حقوقی کشور

ولایت فقیه به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد در نظام حکومت اسلامی (جوادی آملی، ۱۳۷۰، ۳۱)، هر آنچه که برای امام معصوم (ع) ثابت است، ولی فقیه نیز اختیار آن را خواهد داشت (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۸۳). شأن تشریعی ولی فقیه صرف‌نظر از اختلاف نظر فقهاء در حدود ولایات ولی فقیه بر جامعه اسلامی از جمله شئون است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۰۰) و (شهیدی‌پور، ۱۳۷۴، ۱۶۹) که قائلین به لزوم برپایی حکومت اسلامی در زمان غیبت ولی عصر (عج) به اجماع آن را در زمره اختیارات ولی فقیه به منظور اداره حکومت اسلامی بر شمرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۵۹)؛ لذا، از آن جهت که حکومت تشکیل یافته

مبتنی بر دین مبین اسلام است و اصول و قواعد این نظام نیز از بایستی در ظرف فقه اسلامی تجلی پیدا کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۱۷۶)، تصمیمات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مثابه منابع حقوق اسلامی در ردیف موازین شرعی به شمار می‌رود که مبتنی بر مصالح ملزمه‌ای بر دامنه کلیه اصول و قواعد حکومت دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۰، ۱۲۶) به گونه‌ای که می‌تواند دامنه آن را توسعه یا تضییق دهد.

در واقع، قانونگذاری ولی امر در دوران غیبت چون با هدف اجرای اوامر و نواهی شرع مقدس صورت می‌پذیرد از اعتبار و جایگاهی به همان اندازه برخوردار است هرچند که در عرض آن نیست. چرا که تحول دائمی و سریع امور، اقتضای آن را دارد که ولایت فقیه، حق ایجاد و انحلال نهادهایی را در حاکمیت کشور داشته باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶). بنابراین، عقلاً لازم است که ولی فقیه با صدور احکام حکومتی، نهادهای جدیدی را تأسیس کند و یا تغییری در جهت کاهش یا افزایش صلاحیت‌های برخی سازمان‌های اعمال نماید تا به این وسیله «منطقه الفراغ»^۳های ناشی از نارسایی قوانین و مقررات کشور در حد کمال آن بدون نیاز به طی دوره زمانی طولانی اصلاح قانون اساسی حل و فصل گردد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در واقع بایستی ترجمان حقوقی همان نظریه ولایت امامت ولی فقیه تلقی کرد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲). از این رو، مبنای نظری نظام جمهوری اسلامی ایران همان نظریه ولایت مطلقه فقیه بوده که ساختار حقوقی و اجرایی آن در قانون اساسی تعیین شده است. در این باره می‌توان به اصول چهارم و پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد؛ در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر لزوم پیروی قانون اساسی و دیگر قوانین و مقررات کشور از موازین اسلامی دلالت دارد که با توجه به دیدگاه فقهی حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که فرامین مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) را بالاترین حکم در جامعه اسلامی عنوان می‌کند، می‌توان این چنین استنتاج کرد که تصمیمات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از برترین و والاترین جایگاه حقوقی در میان قوانین و مقررات کشور از جمله قانون اساسی برخوردار است (جاوید و نامی، ۱۳۹۰، ۸ و ۹). همچنین، قید «مطلقه» بر عبارت «ولایت» در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور واضح مبین اختیارات کامل ولی فقیه در حاکمیت و اداره کشور است (مهرپور، ۱۳۸۷، ۱۳۶) و (هاشمی، ۱۳۹۲، ۱۱۷).

۳- این اصطلاح به معنای قلمرویی از دین که حکم شرعی معینی ندارد و بر این اساس به حاکم اسلامی اجازه داده می‌شود تا در مورد برخی از مسائل با توجه به نیازهای هر زمان اقدام به وضع قانون کنند. این موضوع توسط آیت الله سیدمحمدباقر صدر (ره) برای اولین بار در کتاب «اقتصادنا» در قالب نظریه «منطقه الفراغ» مطرح شده است.

به سخن دیگر، دلالت عبارت «مطلقه» در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی بر گستردگی اختیارات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) حتی بیش از موارد یازده گانه مذکور در اصل یکصد و هشتاد و دوم قانون اساسی مثبت جایگاه فرامین مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مرتبه رفیع‌تر از قانون اساسی در سلسله مراتب قوانین محسوب می‌گردد (جاوید و نامی، ۱۳۹۰، ۱۲).

بنابراین، ابتدای نظام جمهوری اسلامی ایران به موازین شرع انور اسلام هم در ماهیت و هم در روش حکمرانی مستلزم تمایزاتی در نظام حقوقی کشور در مقایسه با نظام کلاسیک سلسله مراتب قوانین که در آن قانون اساسی در بالاترین مرتبه قوانین قرار دارد، ایجاد کرده است؛ زیرا اطلاق ولایت فقیه به شکلی است که دستورات مقام رهبری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران یارای تعارض با اصول قانون اساسی را دارد.

توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ که برخلاف صلاحیت ذاتی این سازمان مندرج در اصل یکصد و هشتاد و دوم قانون اساسی مقرر گشته، نمونه‌ای از تصمیماتی است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جایگاه اعمال ولایت مطلقه فقیه به جهت ضرورت‌هایی ناگزیر به اتخاذ چنین تصمیمی گردیده‌اند. در واقع، هر سه مورد توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح در سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۳ و ۱۳۹۹ که پیشتر ذکر آن گذشت، مصداق حکم حکومتی به حساب می‌آید که به منظور تأمین مصالحی به نفع کشور و در جایگاه تفوق احکام ولایی بر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبادرت به توسعه صلاحیت رسیدگی سازمان مزبور کرده است.

استدلال صورت گرفته در این رابطه را می‌توان در یک قیاس اقترانی حملی (المظفر، ۱۴۲۹ق، ۲۳۹) این چنین ابراز کرد: گزاره اول- احکام و موازین شرع انور اسلام بر اساس اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر همه قوانین و مقررات کشور از جمله اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکومت دارد. این گزاره به عنوان کبرای استدلال، مبین منبع بودن دستورات اسلام در نظام حقوقی کشور است که آن را در جایگاهی بالاتر از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. گزاره دوم- مطابق دیدگاه مشهور فقهای امامیه راجع به اطلاق ولایت فقیه در حکومت اسلامی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز متأثر از آن وضع شده است، ولی فقیه در جامعه اسلامی از کلیه اختیارات و شئون حاکم اسلامی در زمان معصوم (س) برخوردار بوده و به این لحاظ تصمیمات او در بالاترین سطح

دستورات در جامعه اسلامی و هم‌مرتبه موازین شرع به حساب می‌آید. این گزاره به‌عنوان صغرای استدلال در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصل پنجاه و هفتم مورد تأکید قرار گرفته است. گزاره سوم - دستورات و تصمیمات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سلسله مراتب قوانین و مقررات کشور در جایگاه برتر از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. لذا، اجازه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح و تضییق صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی به موجب نامه شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ دفتر معظم‌له بر دیگر قوانین و مقررات کشور حکومت دارد.

۳- قلمرو اجرایی اجازه نامه در زمان

برخلاف آنچه که در ماده دوم اصلاحی قانون مدنی راجع به زمان لازم‌الاجرا شدن مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از گذشت پانزده روز از تاریخ انتشار مقرر گشته است باید بیان داشت که تصمیمات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از این مقرر مستثنی تلقی می‌گردد. زیرا همان طوری که از مقدمه قانون مدنی «در انتشار و آثار و اجراء قوانین به طور عموم» مستفاد می‌گردد آنچه که در رابطه با ابلاغ، انتشار و زمان لازم‌الاجرا شدن تصریح گردیده است فقط درباره قوانین عادی بوده که از مسیر مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد. از این رو، مبداء زمانی لازم‌الاجرا گشتن اجازه نامه شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ دفتر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح همان تاریخ تجویز محسوب می‌گردد و دیگر نیازی به انتشار در روزنامه رسمی و گذشت مهلت زمان پانزده روزه جهت لازم‌الاجرا شدن ندارد.

مرجع و زمان اعلام توسعه یافتگی صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح به مدیریت عامل روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و نیز زمان انتشار آن به وضوح این مطلب را مدلل می‌نماید. هرچند که انتشار عمومی مفاد این اجازه نامه و دسترسی تابعین به محتوای آن مطابق اصول حاکمیت قانون، ضروری است، لکن الزام قانونی به این منظور در این باره وجود ندارد؛ تا جایی که هریک از موارد سابق تجویز توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح از سوی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز به طور مستقیم از طرف دفتر ایشان به قوه قضائیه اعلام شده و هیچ کدام از آن مگر مورد اخیر در روزنامه رسمی منتشر نگردیده است.

تأثیر این موضوع در ایراد صلاحیت محاکم عمومی در رسیدگی به جرایم موضوع توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح هویدا می‌شود؛ از این جهت که محاکم نظامی از تاریخ تجویز صلاحیت توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، صالح به رسیدگی محسوب می‌گردند و دادگاه‌های عمومی کیفری، تکلیف بر صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادرها و دادگاه‌های نظامی ذیصلاح در پرونده‌های جاری خود حتی در فرض وقوع جرم پیش از تاریخ تجویز دارند. زیرا قوانین مربوط به صلاحیت بر اساس بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اثر اجرایی فوری دارد و نسبت به جرایم سابق بر تصویب قانون نیز اثر می‌گذارد.

نتیجه

صلاحیت ذاتی سازمان قضایی نیروهای مسلح به موجب اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منحصر و محدود به جرایم برخلاف تکالیف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح است. یعنی علاوه بر این که جرایم در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی نیروهای مسلح بایستی از نوع نظامی محسوب شود، تابعین آن هم باید از نظامیان باشند تا سازمان مزبور صلاحیت رسیدگی به جرایم را پیدا کند. لکن، نظام تقنینی کشور حکایت از توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح به مواردی فراتر و خارج از این دو ملاک حاکم بر صلاحیت ذاتی سازمان مزبور دارد.

جرایم امنیتی نیروهای مسلح، جرایم عمومی حین خدمت نظامیان، جرایم کارکنان وزارت اطلاعات که مرتبط با اسناد طبقه‌بندی شده و یا تخلف از وظایف قانونی آنان ارتکاب یابد، جرایمی که در حین تحقیقات و رسیدگی به جرایم خاص نظامی یا انتظامی کشف می‌شود، جرایم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح و جرایم اسرای اتباع خارجی در مدت اسارت، از جمله مصادیق توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح هستند که تا مرداد ماه ۱۳۹۹ به موجب اجازه یا تنفیذ حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و نیز قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی مصوب ۱۳۷۳ فراتر از صلاحیت ذاتی محاکم نظامی مذکور در اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی به عنوان صلاحیت‌های اضافی سازمان مزبور محسوب می‌گردند تا این که طی نامه شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ دفتر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تاریخ بیست و یکم مرداد ماه ۱۳۹۹ مجدداً صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در پنج بند دیگر توسعه پیدا کرده است.

مقصود قانونگذار از ذکر تبصره اول ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ذکر مصادیقی بوده است که سابق بر وضع قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح و جرایم الکترونیکی بر اساس اجازه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح افزوده شده است و دیگر شامل توسعه آتی صلاحیت سازمان مزبور نمی‌گردد. از این رو، تجویزات بعدی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در راستای توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح بر اساس مبانی فقهی و حقوقی، مستلزم ذکر آن در قانون عادی نیست؛ مبنای صدور این نوع اجازه نامه‌ها را نیز باید همان اطلاق ولایت فقیه در حکومت اسلامی محسوب کرد که بنا بر اختیار صدور حکم حکومتی می‌تواند مصالح و منافع عمومی جامعه را حتی فراتر از مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در مغایرت با آن تأمین نماید. در واقع، مصادیق صلاحیت‌های اضافی که پس از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تجویز می‌گردد یا ذیل عنوان «حل معضلات نظام»، موضوع بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قرار می‌گیرد و یا حکم حکومتی جدید به حساب می‌آید.

مفاد تبصره یاد شده نیز به وضوح بر استدلال اخیر تأکید می‌کند ضمن این که ملاحظه پیشینه قانونگذاری در حذف بندهای «ب»، «پ»، «ث» و «ج» از ماده ۲۸ طرح قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی در ارتباط با احصای کلیه مصادیق سازمان قضائی نیروهای مسلح اعم از ذاتی و اضافی متعاقب ایراد شورای نگهبان و اصلاح آن به وسیله درج عبارت نزدیک به ایراد شورای نگهبان به عنوان تبصره اول مزبور هم بر این مهم دلالت می‌نماید.

شایان ذکر است که تصمیمات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) شامل توسعه صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، ضرورت قانونی بر انتشار در روزنامه رسمی و گذشت مدت پانزده روزه از انتشار آن برای لازم الاجرا شدن ندارد؛ همچنانی که دو فقره اجازه نامه‌های سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۳ هیچ‌گاه در روزنامه رسمی کشور تاکنون منتشر نگردیده است. هرچند که انتشار آن به موجب اصل حاکمیت قانون به منظور دسترسی و آگاهی شهروندان به مجموعه قوانین و مقررات مناسب‌تر بوده همان طوری که آخرین اجازه نامه در سال ۱۳۹۹ در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است. هرچند که قلمرو اجرایی اجازه نامه‌ها از همان تاریخ تجویز به حساب می‌آید و استلزامی بر گذشت مدت زمان پانزده روزه و یا تصریح بر اجرایی شدن آن از زمان انتشار ندارد و حسب اثر فوری اجرایی قوانین مربوط به صلاحیت

بر جرایم سابق بر تاریخ تجویز نیز تأثیر گذار است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آخوندی، محمود، ۱۳۸۹، **آیین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات مجد.
- آشوری، محمد، ۱۳۸۴، **آیین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات سمت.
- آشوری، محمد، ۱۳۹۵، **آیین دادرسی کیفری**، ویراست پنجم، تهران، انتشارات سمت.
- احمدی، کاوه؛ آهنگران، محمدرسل؛ روحانی مقدم، محمد، ۱۳۹۹، بررسی فقهی-حقوقی جایگاه ولی فقیه در تقنین، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۹۱.
- بهزادی، سیاوش، ۱۳۴۹، **بررسی قانون دادرسی و کیفر ارتش**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مهنامه قضایی.
- پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، **اظهارنظر مجمع مشورتی حقوقی در خصوص طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی**، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
- جاوید، محمدجواد و نامی، محسن، ۱۳۹۰، جایگاه فرامین مقام رهبری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۲.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۰، **ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت**، چاپ سوم، قم، انتشارات مؤسسه اسراء.
- خالقی، علی، ۱۳۹۶، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات شهر دانش.
- خورشیدی‌اظهر، محمد، ۱۳۹۹، نگرشی بر مدیریت کلان تراکم موجودی و تورم ورودی پرونده‌ها در دادگستری، **مجموعه مقالات ششمین همایش ملی چالش‌های مدیریت قضایی و**

دادرسی در قوه قضائیه، مید، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

- شمس، عبدالله، ۱۳۹۴، **آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)**، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات دراک.

- شهیدی پور، محمدتقی، (۱۳۷۴)، **اجتهاد و تقلید**، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مرکزالمیری، احمد، ۱۳۹۴، **حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.

- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، **حکیمانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه**، چاپ سوم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، **حکومت اسلامی (ولایت فقیه)**، تهران، انتشارات مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).

- مهرپور، حسین، ۱۳۸۷، **مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات دادگستر.

- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۹۲، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات میزان.

- یزدانیان، محمدرضا، ۱۴۰۰، **نگاهی علمی و کاربردی به صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح با تأکید بر صلاحیت‌های جدید آن (قسمت اول)**، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۱۴۵.

عربی

- المظفر، محمدرضا، ۱۴۲۹ق، **المنطق**، التحقيق الشيخ رحمة الله رحمتی اراکی، النسخة الثانی عشر، قم، انتشارات مؤسسه النظر الاسلامی.

- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، **البحوث فقهیه**، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه امام علی ابن ابیطالب (ع).

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the

Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two

Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com